

کیسه یا اصلاح سال ۵۰۰ تقویم یزدگردی (منشا انحراف تقویم در میان زردشتیان هند)

حمیدرضا دالوند^۱

چکیده

تقویم یزدگردی یکی از یادگارهای کهن میزاث ایرانی است که هم در پهنه اقتصادی و علمی جهان اسلام و هم در حوزه دینی جهان زردشتی، کارکرد خود را حفظ کرد. هر بار به ضرورت نیاز کاربران، دستخوش تحول و دگرگونی شد. هر اصلاح و تحولی پی‌آمدهای خود را داشت و بر جامعه کاربران تاثیرهای ویژه‌ای برجای گذاشت. برای مثال، اصلاحات معتضدی کارکرد اقتصادی تقویم یزدگردی را گرفت و وهیزک سال ۳۷۵ی جامعه زردشتی را به اعتبار جایگاه پنجه در پایان آبان یا اسفند به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرد. و یا، پیدایش تقویم جلالی و اصلاحات ملکشاهی در سده پنجم هجری گاهشمار ایرانی را از سیطره جامعه زردشتی خارج ساخت.

یکی از اصلاحات ممکن و محتمل، کیسه سال ۵۰۰ در تقویم یزدگردی و در درون میراث سنت زردشتی است. آنچه در این گفتار می‌خوانیم، چگونگی آن

^۱ استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

رویداد و پی‌آمدهای آن بر جهان زردشتی تا روزگار معاصر است. این اصلاح جامعه زردشتی هند را در سده ۱۸ و ۱۹ به بدو بخش تقسیم کرد. کلیدواژه: زردشتیان؛ سنت زردشتی در روزگار اسلامی؛ گاهشمار ایرانی؛ تقویم یزدگردی؛ کیسه سال ۵۰۰.

۱. مقدمه

تقویم یزدگردی، با مبدا پادشاهی یزدگرد سوم ساسانی در ۶۳۲ م و نیز بیست سال بعد با مبدا مرگ وی، به عنوان واپسین اجرا از گاهشمار ایرانی، نه تنها برای جامعه زردشتی ابزار و شاخص برگزاری امور دینی بود که مسلمانان خاصه ایرانیان و نیز منجمین و زیچ‌پردازان آن را بکار می‌گرفتند. به سخن دیگر، گاهشمار رویدادهای تاریخ ایران پس از اسلام بر پایه تقویم هجری قمری و یزدگری است. اهمیت تقویم یزدگردی در کارکردهای دینی، اقتصادی و علمی آن بود. از این‌رو کاربران حوزه‌های مختلف بنا بر نیاز خویش در طول زمان در اصلاح و جرح و تعدیل آن کوشیدند. یکی از این اصلاحات در سال ۵۰۰ ی روی داد، از اصلاح یادشده گزارش دقیقی در دست نیست. با این وجود، گذشته از اشارات جسته گریخته منابع نزدیک به واقعه، رویدادهای تقویمی پیش و پس از آن، همگی وقوع چنین اصلاحی را محتمل می‌نمایند.

از جمله این رویدادهای مهم در جامعه زردشتی اختلافی بود که در نیمه دوم سده دهم یزدگردی، دو گروه ایرانی و پارسیان هند متوجه آن شدند (نک. دالوند ۱۳۹۷: ۲۶-۳۰). اختلافی که نشان می‌داد پارسیان هند در زمانی نامشخص کیسه یک‌ماه گرفته و یک سال به جای ۱۲ ماه، سال را ۱۳ ماه برگزار کرده‌اند. در نتیجه، تقویم آنها یک ماه با تقویم ایران اختلاف پیدا کرده بود و نوروز پارسی یک ماه پس از نوروز ایرانی آغاز می‌شد. اصلاحات سال ۵۰۰ ی می‌توانست پی‌آمدی اینچنین داشته باشد، اما چگونه؟

۲. تحولات و اصلاحات تقویم یزدگردی تا سده پنجم

تقویم یزدگردی تا پایان سده چهارم و آغاز سده پنجم هجری/ یزدگردی، اصلاحات و تحولات گوناگونی از سر گذراند که هر یک خود موضوع گفتاری جداسست و در اینجا تنها بدانها اشاره می‌شود:

نخستین بار در سده‌های دوم و سوم هجری به سبب جابجایی نوروز از اواخر بهار به میانه بهار بود که خلفای عباسی ناچار به اصلاح تقویم شدند، زیرا بنا بر رسم دربار ساسانیان در نوروز دهقانان خراج و اهل ذمه جزیه را پرداخت می‌کردند. چون در میانه بهار غله هنوز برداشت نشده بود، این امر با دشواری روبرو شد. پس در پی چاره رفتند و با تنظیم نوروز با سال میلادی یا رومی مشکل را حل کردند. نوروز معتضدی پدید آمد ولی کارکرد اقتصادی تقویم یزدگردی از میان رفت (نک. بیرونی ۱۳۶۳: ۵۲-۵۳، ۲۱۵-۲۱۶؛ تقی زاده ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۵۷).

در ۳۷۵ی با پایان یافتن دور بزرگ گاهشمار ایرانی (Cristoforetti, Simone 145-147: 2014)، نوروز با آغاز بهار و هنگام ورود خورشید به برج حمل مقارن شد و سال یزدگردی به مدت چهار سال با سال طبیعی خورشیدی یکسان گردید. در این زمان، روزگار فرمانروایی بهاءالدوله دیلمی (حک. ۳۷۹-۴۰۵ق)، جامعه زردشتی فارس و بغداد وهیزک کرد و پنجه را به یکباره از پایان آبان به پایان اسفند آورد. این اصلاح در مناطق شمالی و شرقی ایران پذیرفته نشد و جامعه زردشتی را به دو بخش تقسیم کرد. اصلاح یادشده در متون زردشتی و نیز متون منجمین اسلامی اشاره شده است (نک. باقری ۱۳۷۸: ۳۶-۳۷؛ تقی زاده ۱۳۸۸: ۱۴۳؛ ۱۳۴۶: ۵۳۴؛ Ankiesaria 1969: II/124-125).

در سال‌های پایانی سده چهارم هجری، افزون بر اقدامات زردشتیان و امیران دیلمی در عراق و فارس، شاهک فرزانه سیستان، خلف بن احمد، نیز کوشید تا تقویم را اصلاح کند و کیسه‌ای بگیرد. مؤلف نوروز نامه تنها کسی است که گزارشی کوتاه و پر ابهام از

آن بدست داده است (۱۳۱۲: ۱۲؛ قس. رضازاده ملک ۱۳۸۳: ۱۶۸؛ تقی زاده ۱۳۴۶: ۲۲۷، ۴۰۸)

۳. انحراف نظری در کیسه‌گیری با تکرار هر ۱۲۰ سال یک‌ماه

اصلاح معتضدی نه تنها کارکرد مالی و دیوانی تقویم یزدگردی را از میان برد که سرآغاز انحراف بزرگی در درک و دریافت مبانی نظری گاهشمار ایرانی در نزد منجمین اسلامی شد. چون مشکل جامعه اسلامی تثبیت نوروز در پایان بهار بود، تمام تلاش بر آن متمرکز شد و از مفهوم وهیزک نه جابجایی که معنی کیسه آن گونه که در فرهنگ سامی و رومی معمول بود، دریافت گردید. بدین ترتیب تصور کیسه تکرار یک ماه در ۱۲۰ سال در گاهشماری ایرانی ساخته شد، چرا که گمان بر این بود خسروان ساسانی با این شیوه نوروز را در پایان بهار و آغاز تابستان همواره ثابت نگه می‌داشته‌اند (نک. دالوند ۱۳۹۹: ۵-۸؛ 42-45, 50 de Blois 1996). نوشته‌های کوشیار (باقری ۱۳۷۸: ۳۶) و ابوریحان بیرونی (۱۳۶۳: ۷۰-۷۳) نشان می‌دهد که دریافت آنها از مفهوم کبسه در تقویم و تاریخ ایرانی چیست و این فرآیند چگونه با تکرار یک ماه در هر ۱۲۰ سال عمل می‌کرده است و چنان که ابوریحان به صراحت در قانون مسعودی گفته است (۱۹۵۴: ۹۰)، پنجه نقش حفظ ترتیب و نوبت کیسه ماه‌ها را داشته است.

۴. اختلافات فارس و خراسان

بنابر گزارش هم‌زمان ابوریحان و کوشیارگیلی، اصلاح تقویم در پایان سده چهارم هجری، جامعه زردشتی را به دو دسته تقسیم کرد. بانی اصطلاحات، زردشتیان فارس و بغداد مستقر در قلمرو آل بویه بودند و در مناطق شرقی و شمالی ایران یعنی طبرستان، گرگان، ری و خراسان چنین اصلاحی را نپذیرفتند. این پذیرش، پذیرش عام است یعنی اکثریت نپذیرفته‌اند. و اگر بنا بر پرسش نخست روایت فرنیغ سروش داوری کنیم، هیربد نیشابور به صراحت اعلام کرده است آن را پذیرفته و ابلاغ کرده است. پذیرش

هیربد نیشابور، پذیرش رسمی از سوی تشکیلاتی باید تلقی گردد که خود گمارده تشکیلات بالادست یعنی «موبدان موبد» و یا «پیشوای بهدنیان» بوده است. به هر روی، مخالفت بخشی از جامعه زردشتی و غیر زردشتی در شرق امری قابل اثبات است و در منابع نجومی سده چهارم به بعد از آن یاد کرده‌اند.

سده پنجم هجری که با نوشته‌های نجومی ابوریحان آغاز می‌شود، دوره گذار تحولات تقویمی در ایران است. در جامعه زردشتی وفاداری به حفظ پنجه در پایان آبان و یا همراهی با اصلاحات و انتقال آن به پایان اسفندماه موضوع مهمی است و شاخصی ارزشمند برای بازشناسی میراث ایرانی در این دوره می‌تواند باشد.

منابع موجود از تمایل خراسان به حفظ پنجه در پایان آبان حکایت دارد: تاریخ‌های درج شده در سفرنامه ناصر خسرو به ویژه در پهنه خراسان، ری و آذربایجان نشان می‌دهد که پنجه در پایان آبان حساب می‌شده است. او شهریور سال ۴۳۸ ق در تبریز بوده است و از زلزله آن شهر در شب پنجشنبه هفدهم ربیع‌الاول سنه ۴۳۴ ق همزمان با ایام مسترقه یاد می‌کند (۱۳۳۵: ۴، ۶). ۱۷ ربیع‌الاول ۴۳۴ ق / ۳۴ آبان ۴۱۱ ی / ۴ نوامبر ۱۰۴۲ م است. بنابراین تاریخ‌گذاری، ۳۶ سال پس از اصلاحات ۳۷۵ ی، هنوز بخشی از جامعه همچون گذشته پنجه را در پایان آبان می‌گیرند. گفتنی است ما به درستی نمی‌دانیم، ناصر خسرو بر مبنای سنت تاریخ‌نگاری خراسان بزرگ، خود این گونه حساب کرده است و یا نه تحت تأثیر آنچه در تبریز در جریان بوده است، متن را نوشته است؟ (نک. de Blois 1996: 42). تنها می‌توان گفت، ناصر خسرو فقط از خراسان تا آذربایجان و آسیای صغیر است که در کنار تاریخ هجری قمری از تاریخ یزدگردی هم استفاده کرده است. بیهقی (۱۳۵۶: ۵۳۴) به زمان برگزاری نوروز و مهرگان توجه کرده است که نمی‌تواند بیانگر جایگاه پنجه باشد.

با این همه، آنچه پیداست، با اصلاحات ۳۷۵ ی موضوع انتقال پنجه از پایان آبان به پایان اسفند مطرح شد و بی گمان در قلمرو آل بویه به ویژه از بغداد تا فارس و توابع آن، کرمان و شاید سیستان، اجرا شد.

۵. اصلاحات ملکشاهی

انتقال پنجه به پایان سال، تاریخ یزدگردی را برای منجمان جذاب تر می کرد. همین الهامی برای اصلاحات بعدی در گاه شماری ایرانی گردید. اصلاحی نه بدست مؤمنان کیش کهن که این بار توسط منجمان مسلمان و به یاری پادشاهان ترک تبار سلجوقی به گونه ای ژرف تر در نیمه دوم سده پنجم هجری به نام های تاریخ ملکی، جلالی، سلطانی و یا محدث انجام شد و به دو تحول بزرگ در گاه شماری ایران منجر گردید: الف: تثبیت نوروز در اول بهار با رواج کیسه گیری رباعی و خماسی ب: تثبیت پنجه در پایان سال (نک. عبداللهی ۱۳۸۹: ۲۷۹-۲۹۵؛ تقی زاده ۱۳۸۸: ۱۶۷-۱۷۹؛ قس. رضازاده ملک ۱۳۸۳).

بی گمان پیدایش تقویم جلالی و تثبیت پنجه در پایان سال سهم چشمگیری در یکسان سازی تقویم زردشتی در وجه رسمی سنت آن داشته است. پس باید گفت اصلاحات ۳۷۵ ی و یک سده بعد، اصلاحات روزگار ملکشاه سلجوقی و نیز تمایل زیچ نگاران به محاسبه پنجه در پایان سال و تأثیر زیچ ها بر تقویم های سالانه، مهم ترین دلایلی باید باشند که در سنت متأخر زردشتی اتفاق نظر در انتقال پنجه به پایان سال را سبب شدند.

پرسش اینجاست که با اصلاحات ملکشاهی و تأثیرات محتمل آن بر تقویم یزدگردی، مشکلات تقویم یزدگردی به ویژه درون جامعه دینی زردشتی حل و فصل شد و وحدت رویه پدید آمد؟ باید گفت اگرچه ممکن است این رویداد مشکل جایگاه پنجه را برای آنان حل کرده باشد و دو دستگی پیش آمده از ۳۷۵ ی به بعد را، دست کم

در سطح رسمی، وحدت بخشید ولی رویدادهای بعدی، نشان داد در همین زمان اتفاقی افتاده است که منشا اختلافات بعدی شد. اختلافی که دیگر نه بین شرق و غرب جامعه زردشتی که این بار میان زردشتیان ایران و پارسیان هندوستان پدید آمد. منشاء اختلافات اخیر را در کیسه‌گیری سال ۵۰۰ می‌شود جستجو کرد.

۶. اصلاحات ۵۰۰ یزدگردی

گزارش شهردان رازی در ۴۶۶ ق به اعتبار خاستگاه زردشتی وی و انتساب او به ری، اهمیت فراوان دارد. همچنین، زمانی که روضه‌المنجمین را نوشته است، دربار سلجوقیان سرگرم اصلاحات تقویمی بود. در این گزارش آمده است که اسفندارمذ ۳۵ روز دارد ولی «بعضی آبان سی و پنج روز دارند و نه درست بود، چپ این پنجه در آخر آن ماه باید کی آفتاب بدو اندر حوت بود و چون بعمل آید پنجه بگذشته باشد» (۱۳۸۲: ۱۹). این نیز تأییدی دیگر برای نشان دادن حالت گذار در سده پنجم است. اگر چه بسیاری به ویژه منجمان تمایل به انتقال پنجه در پایان سال دارند ولی هنوز گروهی مقاومت می‌کنند. گزارش شهردان افزون بر تعیین وضعیت پنجه در روزگار مؤلف، در بردارنده نکته پر اهمیت دیگری است و آن نقد دیدگاه حفظ پنجه در پایان آبان است. او به درستی دیدگاه سنت کهن زردشتی را مطرح می‌کند که پنجه همواره باید در پایان ماهی باشد که مقارن اسفند بهیزگی است و در پایان پنجه زمستان سپری شود و خورشید وارد برج حمل گردد و بهار چهره گشاید. این همان اندیشه ثبات پنجه در پایان سال و راز مهم گاه‌شماری ایرانی است.

یک سده بعد، یکی دیگر از منجمان سنت خراسان بنام بهاء‌الدین خرقی، متوفی ۵۵۳ ق / ۵۲۷ ی، در رساله *منتهی‌الادراک فی تقاسیم الافلاک* گزارش مفصلی از تقویم یزدگردی و تحولات آن بدست می‌دهد. در این گزارش که در کلیت تحت تأثیر نوشته‌های ابوریحان است، آمده است: باید در بیست و چهارمین سال حکومت یزدگرد

کیسه نهم صورت می‌گرفت و پنجه در پایان آذر قرار داده می‌شد و دی ماه مقارن نخستین ماه بهار می‌بود. اما به دلیل پریشانی دولت ساسانی این امر اهمال شد و تا ۳۷۵ ی که خورشید در اول فروردین به اعتدال بهاری رسید، پنجه در پایان آبان ماند. این زمان در فارس کیسه گرفتند اما در عراق و خراسان بر پایه این اعتقاد که جزو دین است و تغییر جایز نیست، پنجه را در پایان آبان نگه داشتند (۱۳۹۲: ۴۵۰-۴۵۱ و ۷۰۳). تا اینجا مطالب پیشینیان به ویژه نوشته‌های ابوریحان خلاصه شده است. اما در پایان، وی از راز دیگری در تحولات تاریخ یزدگردی پرده برمی‌دارد که در حل اختلافات بعدی جامعه زردشتی ایران و هند اهمیت دارد. او می‌نویسد: «و نوبت کیسه در روز شنبه، ۲۵ ربیع الآخر سال ۵۲۵ هجری برابر با ۵۰۰ یزدگردی، زمانی که خورشید به مقابل اول حمل برسد، به فروردین رسیده است و سال از اردی بهشت آغاز می‌شود و فروردین را کیسه گرفتیم و پنج روز اضافی را به پایان آن افزودیم و روزهای آن ۳۵ روز شد» (۱۳۹۲: ۷۰۳).

گزارش خرقی در سده ششم، به اعتبار خراسانی بودن وی، ممکن است با استفاده از اسناد زردشتیان خراسان تهیه شده باشد. آنچه این گمان را تقویت می‌کند، قسمت اخیر گزارش بالاست که بر می‌آید عیناً از روی متنی یا مصاحبه با موبدی زردشتی به نگارش درآمده است، چراکه فاعل جمله اول شخص جمع است. اگر چنین باشد که او تحولات خراسان را منعکس کرده است، باید گفت در سده ششم خراسانیان نه تنها اصلاحات ۳۷۵ ی را پذیرفته‌اند که به روند کیسه‌گیری هم تن در داده و در ۱۲ ربیع الآخر ۵۲۵ ق/ یکم فروردین ۵۰۰ ی یک ماه کیسه گرفته‌اند و پنجه را از پایان اسفند به پایان فروردین انتقال داده‌اند.

خواه گزارش خرقی برآمده از رویدادهای خراسان باشد و خواه عراق یا فارس، آنچه اهمیت دارد، کیسه ۵۰۰ ی است که در آن پنجه به پایان فروردین آمده است. از چگونگی کیسه گرفتن اطلاعی در دست نیست و مشخص نمی‌کند که فقط پنجه را جا

به جا کرده‌اند و یا نه فروردین ماه را بنابر الگویی که از توصیف‌های منجمان و مورخان سده‌های سوم و چهارم هجری برمی‌آید و خود خرقی هم آنها را تکرار کرده است، ۶۰ روز گرفته و سال ۱۳ ماهه برگزار شده است؟!

با این همه آنچه وجه دوم یعنی برگزاری سال ۱۳ ماهه را محتمل می‌کند، میراث تقویمی پارسیان هند است که زردشتیان ایران در پایان سده یازدهم یزدگردی دریافتند یک ماه با تاریخ ایران تفاوت دارد. تقی‌زاده منشا کیسه پارسیان را رویدادهای سال ۵۰۰ ی می‌داند و به گزارش خرقی نیز اشاره کرده است (۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۵۲؛ ۱۳۹۲: ۵۷؛ ۱۳۴۶: ۵۵۴). به راستی چنین گمانی واقعیت دارد و اختلاف پارسیان از همین کیسه ۵۰۰ ی ناشی می‌شود؟

آنچه این فرضیه را رد می‌کند، این که در گزارش خرقی به صراحت آمده است پنجه را در پایان فروردین قرار دادند و تعداد روزهای این ماه را به ۳۵ روز رساندند. در حالی که تقویم یزدگردی رسمی یا شاهنشاهی پارسیان، پنجه را در پایان سال حساب می‌کرد و اسفند ۳۵ روز بود. پس یکی دانستن آنها دشوار است.

شاید بتوان گفت در سال ۵۰۰ یزدگردی چون یک دوره ۱۲۰ ساله دیگر گذشته بود، اصلاحات ۳۷۵ ی به چالش کشیده شد. زیرا فروردین از آغاز سال عبور کرد و بطور کامل با اسفند مقارن شد. همین تحول سبب بالا گرفتن بحث تقویم و اصلاحات مجدد در جامعه زردشتی شد. بی‌گمان بخشی که ممکن است، زردشتیان خراسان باشند، آن گونه عمل کردند که خرقی گزارش داده است، هرچند اسناد موثقی در دست نداریم که مراد خرقی از کیسه گرفتن چیست؟ در متن عربی منظور از "فکبسن" فروردین ماه، "تکرار آن در ۶۰ روز و درست کردن سال ۱۳ ماهه بوده است؟ یا نه چنان که در ادامه این جمله آمده است "والحقنا الخمسه الایام بأخرایامه"، منظور آن است که فقط پنجه را جا به جا کرده‌اند؟

بنابراین، به سبب ابهام یاد شده و نبود تاریخ های ثبت شده نمی توان گفت کیسه ۵۰۰ ی مورد اشاره خرقی، همان کیسه پارسیان بوده و یا اصلاحی دیگر که در خراسان اجرا شده است. همچنین، به احتمال بسیار، کیسه پارسیان نیز باید در این روزگار اتفاق افتاده باشد و با تکرار یک ماه، یعنی ماه فروردین، آنها با سال شمار ایرانیان اختلاف پیدا کردند. آیا این اصلاح و کیسه گیری در هند انجام شد و یا ایران؟ پرسشی است که باز به آسانی قابل پاسخ نیست و فرضیه های مختلفی را در پی دارد. به اعتبار حفظ پنجه در سال پارسیان هند به پایان اسفند و اصرار آنها بر نام پارسی، می توان مهاجرت آنها را به اواخر روزگار آل بویه و پس از اصلاح ۳۷۵ ی نسبت داد. این فرض با واقعیت تاریخی ناامن شدن فارس پس از آل بویه و تاریکی تاریخ زردشتیان فارس در سده پنجم هجری (نک. دالوند ۱۳۹۷) همخوانی دارد. چراکه با ویرانی فارس ممکن است بخشی از جامعه زردشتی به شمال کوره استخر در دامنه شیرکوه کوچ کردند و بخش دیگر از راه دریا رهسپار هند شدند، هر چند ممکن است پارسیان پیشتر مهاجرت به هند را آغاز کرده باشند.

به هر روی این امکان هست که موج های مهاجرت در پایان سده چهارم و سراسر سده پنجم تغییرات تقویمی را به هند بردند. همچنین، فرض دیگر به اعتبار خاطرات پارسیان در قصه سنجان که خود را خراسانی می دانند، این که کیسه گیرندگان خراسانی مورد اشاره در گزارش خرقی، همان مهاجران پارسی باشند که در پایان سده پنجم تغییرات تقویمی شرق ایران را به هند بردند. همه این فرضیات و گمانه هایی هستند که در نبود مدارک می توانند مطرح بشوند. اگر چه هیچ کدام را نمی توان به عنوان حقیقت پذیرفت ولی آنچه واقعیت دارد، تلاشی است که در پایان سده پنجم و آغاز سده ششم یزدگردی، برای اصلاح تقویم در میان زردشتیان صورت گرفت و تقویم پارسیان را از ایرانیان یک ماه عقب انداخت. آن گونه که برمی آید، این اصلاحات نه برآمده از سنت اصیل زردشتی که مبتنی بر دریافت منجمان اسلامی سده های دوم تا چهارم هجری از نظام گاه شمار ایرانی بود. چه اگر چنین نبود، فقط کافی بود که جای

پنجه را جابه‌جا کنند و اختلاف فی ما بین ایران و هند بر سر محل پنجه باشد نه یک ماه تاخیر در آغاز سال. چیزی که برعکس، تنها نقطه اشتراک آنهاست.

۷. برخی شواهد کهن از سال وهیزی در میان پارسیان هند

بنابر انجامه دستنویس J2، یسنا همراه با پهلوی؛ در کتابخانه بادلیان، مهربان کیخسرو، به تصحیح میلز، در روز بهمن از ماه فروردین ۶۹۲ ی زمانی که از سیستان به هند آمده است، آن را کتابت کرده‌اند. این تاریخ برابر دوشنبه ۲۷ دسامبر ۱۳۲۳ م و ۱۷ ذی‌الحجه ۷۲۲ ق است (Unvala 1940: 120-121). اما اگر متن را آن‌گونه که هست، «بهمن ماه فروردین روز» از سال ۶۹۲ ی بخوانیم؛ ۱۹ بهمن سال ۶۹۲ ی با احتساب پنجه در پایان سال برابر چهارشنبه ۹ نوامبر ۱۳۲۳ م و ۹ ذی‌القعدة ۷۲۳ ق است. حال اگر پنجه را هنوز در پایان آبان گرفته باشند که البته پس ۳۱۷ سال بعید است، برابر دوشنبه ۱۴ نوامبر ۱۳۲۳ م و ۱۴ ذی‌القعدة ۷۲۳ ق است.

افزون بر این در انجامه دست‌نویس K5، نسخه‌ای از یسنا در کتابخانه کپنهاک دانمارک، آمده که همین هیربذزاده مهربان کیخسرو اهل دزوک در سیستان، آن را به روز آسمان ماه دی وهیزی سال ۶۹۲ ی کتابت کرده است. آنچه پیداست، مهربان کیخسرو گویا در این زمان یعنی حدود چهارصد سال قبل از جاماست ولایتی متوجه اختلافات تقویمی ایران و هند شد و این تاریخ می‌تواند سندی بر وجود گرفتن کیسه ۱۲۰ سال به احتمال در ۵۰۰ یا ۶۲۰ یزدگردی باشد. از این رو، می‌توان گفت روز آسمان یا ۲۷ دی پارسیان برابر ۲۷ بهمن زردشتیان ایران بوده است که قطعاً با احتساب پنجه در پایان سال برابر ۱۸ نوامبر ۱۳۲۳ م و ۱۸ ذی‌القعدة ۷۲۳ ق بوده است. (Unvala 1940: 129-131, 194).

در انجامه نسخه‌ای از ویسپرد در کتابخانه ملی مونیخ به ش M51 (Unvala 1940: 60-61) آمده است که هیربذزاده پشوتن رام از نوادگان نریوسنگ

این دستنویس را به تاریخ روز مائترسفند از ماه آذر از سال بهیژگی ۷۶۶ی در شهر بهروچ هندوستان کتابت کرده است. اگرچه بدقت نمی‌توان گفت منظور از بهیژگی در این تاریخ چیست ولی ممکن است اشاره ای به کیسه‌گیری سال ۵۰۰ی باشد که گویا فروردین را بنابر دریافت منجمان اسلامی مکرر کردند و پس از ۲۶۶ سال هنوز خاطره وهیزک یاد شده در نزد آنان زنده بوده است.

در انجنامه دست‌نویس M84 مونیخ، نسخه‌ای از وندیداد، آمده است: فراز کنم اندر روز خورشید ماه دی وهیزکی ابر سال ۹۵۷ی اندر بوم هندوستان شهر بهروچ (Unvala 1940: 79-80). در این جا، ماه دی وهیزکی منظور تقویم پارسیان باید باشد که به سبب کیسه گرفتن یک ماه از تقویم ایرانیان یا قدیمی عقب‌افتاده بود و نویسنده گویا برای تمیز این دو از صفت وهیزکی استفاده کرده است. این تاریخ به سنت قدیمی باید روز خورشید از ماه بهمن ۹۵۷ی باشد که برابر سه‌شنبه ۶ سپتامبر ۱۵۸۸ م و ۲۴ شوال ۹۹۶ ق است.

۸. تحولات پس از ۵۰۰ی در تقویم یزدگردی

متن‌های سده پنجم و ششم هجری نشان دهنده دوره گذار تقویم یزدگردی هستند و هم به وجود پنجه در پایان آبان و هم در پایان اسفند در مناطق مختلف اشاره دارند و البته تاکید می‌شود که انتقال پنجه به پایان اسفند امری متاخر است و در قدیم پنجه در پایان آبان بوده است. (نک تقی‌زاده ۱۳۸۸: ۲۹۰؛ ۱۳۹۲: ۲۲۵؛ جمالی یزدی، دستنویس ش ۸۶۲۲۲، کتابخانه مجلس، ص ۹۳؛ رضازاده ملک ۱۳۸۳: ۱۱۳-۱۱۴).

در سده‌های بعد به ویژه پس از اصلاحات دوره ایلخانی و نگارش زیج خواجه نصیر و نیز زیج سلطانی یا زیج الغ بیگ در دوره تیموریان و شرح‌ها و تفسیرهای این دو زیج مهم (نک. دستنویس ش ۳۹۴۵ کتابخانه مجلس، زیج جامع سعیدی، ص ۶ ب؛ و صاف ۱۲۶۹: ۴۰۲)؛ به حساب زیج‌نگاران پنجه در پایان اسفند است ولی چون گزارش آنها اغلب از روی متون کهن‌تر نجومی به ویژه متون سده‌های چهارم تا پنجم

هجری نوشته شده‌اند، قابل اعتماد نیستند و همگی صورت دوره‌گذار و وجود پنجه در پایان آبان و اسفند را تکرار کرده‌اند.

میراث عصر روایات، نوشته‌های زردشتیان در سده‌های ۹-۱۲ یزدگردی، چه در ثبت تاریخ‌ها و چه در وجه نظری موضوع، وجود پنجه در پایان اسفند را پذیرفته است و تاریخی که در سنت زردشتی سده پنجم هجری به بعد نشان بدهد که پنجه در پایان آبان قرار دارد، تا کنون برای نگارنده مشخص نشده است. این بدان معنی نیست که به یقین از سده پنجم جامعه زردشتی پنجه را در پایان اسفند حساب می‌کرده است بلکه اگرچه سده‌های پنجم تا نهم عصر تاریکی تاریخ سنت زردشتی است و ما اطلاعات اندکی از مسائل زردشتیان داریم ولی آنچه منطقی به نظر می‌رسد، فرض تحول و تغییر تدریجی پذیرش انتقال پنجه در پایان اسفند است. زمان این پذیرش ممکن است سده ششم یا حتی هفتم باشد. به هر روی آنچه این پذیرش را ممکن ساخت و همه‌گیر کرد، اصلاحات تقویم جلالی و تمایل زیچ نگاران به حساب پنجه در پایان سال بود.

آنچه در اینجا اشاره شد، روند رسمی رویدادها است و بنابر شواهد موجود، به گونه‌ای غیر رسمی، در برخی مناطق ایران آن هم در جامعه اسلامی نه زردشتی، صورت قدیمی حفظ پنجه در پایان آبان به راه خود ادامه داد و در مازندران و گیلان پنجه را در پایان ماه هشتم برگزار می‌کردند(نک. تقی‌زاده: ۱۳۴۶: ۱۳۳- ۱۳۴)

مهم‌ترین تحول تقویم یزدگردی در جامعه زردشتی، باید همین موضوع انتقال پنجه از آبان به اسفند باشد. عملی که اگر چه با مخالفت بخشی از جامعه زردشتی روبه‌رو شد ولی به تدریج در میان همه آنها پذیرفته شد و جامعه را به وحدت رساند. با این وجود، پس از یک دوره کوتاه وحدت، دوباره با کیسه‌گیری پارسیان این وحدت دستخوش پریشانی و اختلاف گردید. سده یازدهم یزدگردی روزگار خود آگاهی زردشتیان به انحرافات و اختلافات تقویمی و سرآغاز دو سده تنش و ناسازگاری در میان آنهاست(نک. دالوند: ۱۳۹۶: ۵۰-۵۲؛ ۱۳۹۵: ۴۷-۴۸). جامعه زردشتی ایران با

گرفتن کیسه مخالف بود و اصرار داشت که بنابر متون دینی، کیسه گرفتن در دیانت زردشت جایز نیست ولی پارسیان هند که با یک بار کیسه گرفتن، در عمل از سنت زردشتی عدول کرده بودند، کیسه را مغایر دین نمی‌دانستند در مکاتبات و جنگ قلمی میان پارسیان و زردشتیان ایران، به ویژه پس از مسافرت ده ساله ملافیروز و پدرش ملاکاوس منجم، جامعه زردشتی ایران مطالبی را نوشته است که در روشن ساختن سنت زردشتی و نگاه آن به تقویم و گاه‌شماری بسیار اهمیت دارد. در روایت ۱۱۱۳ی، نامه دستوارن یزد و کرمان در پاسخ به موبدکاوس و دستور داراب سهراب و نیز روایت بهدین اسفندیار بهرام، حدود ۱۱۱۸ ی، آمده است که میان نوروز جمشید و نوروز عامه یا نوروز قدیم تفاوت وجود دارد. نوروز عامه قدیمی‌تر از نوروز جمشید است. اشاره منجمان به کیسه پارسی، مراد نوروز جمشید است و این موضوع در هیچ یک از متون دینی نیامده است. همچنین، آوردن پنجه در برخی تقویم‌ها به پایان آبان نادرست است. پنجه همواره در پایان سال بوده است. کیسه رفتار آفتاب و اختراع جمشید و تعلق به نوروز سلطانی می‌دارد که سابق نوروز جمشید می‌گفتند. کیسه‌ای که در متون اسلامی آمده است، با دین زردشتی ارتباط ندارد. زیرا اهل اسلام واقف به ماهیت دین زردشتی نمی‌باشند (دستویس ش E60 کتابخانه مهرجی رانا، ص ۱۰۹-۱۱۳، ۷۵، ۶۲-۶۳، ۱۳۰). در رساله ادله قویه بر عدم جواز کیسه در شریعت زردشتیه نوشته ملافیروز (۱۸۲۸: ۱۱۹-۱۲۰) که بر پایه سنت ایرانی استوار است، بر وجود پنجه در پایان سال و وجود تفاوت میان سال دینی و سال حکومتی تاکید شده است. کیسه به سال حکومتی تعلق دارد نه سال دینی. او بنابر قول علمای اسلام می‌کوشد تا اثبات کند در دیانت زردشتی وجود کیسه جایز نیست.

آنچه از اسناد این دو سده برجای مانده است، نشان می‌دهد ایرانیان زردشتی به هیچ روی کیسه را نپذیرفته‌اند و آن را امر نجومی بیرون از دیانت زردشتی می‌دانند.

موضع‌گیری محکم و قاطع زردشتیان ایران، پرتوی بر سنت کهن اهمیت پنجه به عنوان شاخص پایان سال است و این که تکرار یک ماه امری غیر زردشتی و غیردینی است. هرچند نباید فراموش کرد که توصیف‌های متاخر جامعه زردشتی ایران از سال دینی، ناشی از سنجش سال گردشی یزدگردی و سال ثابت پس از اصلاحات ملکشاهی و پیدایش تقویم جلالی است و خود آنها نیز در عمل گناه و انحراف بزرگی که مرتکب شده‌اند، تغییر کارکرد پنجه است و با انتقال آن به پایان اسفند آن را در طول سال به گردش درآورده‌اند. در اینجا هیچ تفاوتی میان این شیوه با شیوه وجود پنجه در پایان آبان نیست. زیرا با حرکت این ماه‌ها پنجه نیز جابه‌جا می‌شود. با این همه، حقیقت مبهم نهفته در گزارش‌ها و نوشته‌های آنان تاکید بر نبود کیسه است.

نیک می‌دانیم (دالوند ۱۳۹۶: ۴۷-۴۸، ۵۱-۵۲؛ Murzban, 1917: I, 21, 202- 230; karaka1884: I, 106-116) که سرانجام در پایان سده نوزدهم میلادی تنش‌های تقویمی در جامعه زردشتی رو به افول نهاد و پژوهشگران نوگرای این جامعه پی بردند که علی‌رغم اختلاف یک ماه، هر دو جامعه پارسی و ایرانی از حقیقت گاه‌شماری دینی عدول کرده‌اند. چرا که تقویم یزدگردی، سال شماری چرخشی و متفاوت با سال طبیعی یا حقیقی است. به همین سبب، بحث سال فصلی و انطباق تقویم زردشتی با سال طبیعی را پیش کشیدند.

۹. نتیجه‌گیری

به علل مختلف از جمله کمی منابع موثق و مشروح و نیز نبود گزارش‌های نزدیک به رویداد تقویمی مورد بحث، بی‌گمان نتوان سخنی قاطع گفت. آنچه اشاره شد، برمبنای قرائن و به ویژه تحول رویدادهای متاخر تقویم یزدگردی و تطبیق آنها با گزارش‌های اندک سده‌های پنجم به این سو بود. از این رو طبیعی است که نتایج نیز دریافت‌هایی نسبی مبتنی بر همین قرائن و شواهد موجود باشد. آنچه یادکردنی است:

اصلاحات یا کیسه سال ۵۰۰ تقویم یزدگردی یکی از رویدادهای مهم و موثر تاریخ تحولات گاهشمار ایرانی است که می‌تواند منشاء و موجد اختلافات و رویدادهای بعدی تقویم یزدگردی باشد.

از این رویداد اطلاع کافی نداریم. جز گزارش کوتاه خرقی، هنوز سند و یا نوشته دیگری در اشاره پیشینیان بدان یافت نشده است.

به سبب نبود منابع دیگر و نیز ناچیز بودن مصادیق گاهشمارانه بعدی، به‌ویژه در سده‌های ۶ تا ۷ هجری/ یزدگردی، تفسیر دقیق خرقی دشوار و همراه با ابهام است.

به سبب ابهامات یادشده، نمی‌توان کیسه مورد اشاره خرقی، به احتمال در خراسان را، قاطعانه علت انحراف تقویم یزدگردی در نزد پارسیان هند دانست.

اگرچه هنوز بدرستی و روشنی نمی‌توان منشاء انحراف پارسیان هند از تقویم یزدگردی را مشخص کرد، ولی آنچه می‌توان گفت این‌که: در سال ۵۰۰ی، پس از گذشت ۱۲۵ سال از وهیزک سال ۳۷۵ی، تقویم یزدگردی به سبب اهمال در حساب یک چهارم روز هر سال، یک ماه با سال طبیعی اختلاف پیدا کرد و از آن پیش افتاد. نوروز تقویم یزدگردی به جای اولین روز بهار و زمان ورود خورشید به برج حمل، با اولین روز آخرین ماه زمستان مصادف شد. همین سبب گردید تا جامعه زردشتی دوباره به تکاپو افتد و در پی چاره برود. یکی از اقدامات آن است که خرقی اشاره کرده است. به‌نظر می‌رسد اقدام دیگر آن باشد که بنابر نوشته‌ها و دریافت نادرست منجمان اسلامی از ماهیت وهیزک در گاهشمار ایرانی و تعبیر و تفسیر آن به کیسه یک ماه در هر ۱۲۰ سال، بخشی از جامعه زردشتی یک سال را ۱۳ ماه برگزار کرد و نوروز را به وضعیت سال ۳۷۵ی و مصادف با ورود خورشید به برج حمل در آغاز بهار برگرداند. این رویداد می‌تواند تحت تأثیر و موافق با اصلاحات تقویم جلالی یا ملکشاهی هم صورت گرفته باشد.

در نتیجه چنین اصلاح احتمالی، آغاز سال یا نوروز در میان زردشتیان تغییر یافت و محل اختلاف شد. این بار به اعتبار زمان نوروز جامعه زردشتی به دو بخش تقسیم شد: یک بخش جامعه ایران بود که یک ماه نوروز را زودتر برگزار می‌کردند و در اسناد متاخر به گروه قدیمی نامبردار شدند. دیگری، پارسیان هند معروف به شاهنشاهی یا رسمی بودند که یک ماه پس از ایرانیان سال یزدگردی را آغاز می‌کردند و همواره تقویم ایشان یک ماه از ایرانیان عقب‌تر بود.

بدرستی زمان و هویت برگزارکنندگان چنین کیسه‌ای را نمی‌دانیم ولی پاسخ به این پرسش می‌تواند در روشن ساختن هویت پارسیان هند کمک کند و در رد یا تایید اطلاعات موجود در باره زمان و مبدا مهاجرت پارسیان به هند موثر باشد.

کیسه‌ای که به احتمال در ۵۰۰ی صورت گرفت، در سده‌های ۱۱ و ۱۲ یزدگردی/هجری روابط زردشتیان ایران و پارسان هند را به شدت تحت تاثیر قرار داد. در این زمان بود که دو جامعه به اختلاف موجود در میان خویش پی بردند و هریک خود را بر حق می‌دانست. آنها نزدیک به ۲۰۰ سال بر سر وجود و عدم وجود کیسه در دیانت زردشتی بحث و جدل کردند تا این که دریافتند هر دو به بی‌راهه رفته‌اند و باید به تقویمی نزدیک به سال طبیعی برگردند.

کتاب‌نامه

باقری، محمد (۱۳۸۷). «مبحث تقویم در زیچ جامع کوشیار گیلانی (براساس ترجمه فارسی کهنی از قرن پنجم)». *مجله تاریخ علم*، ش ۶، صص ۲۱-۶۷.

بیرونی، ابوریحان (۱۹۵۴). *کتاب قانون المسعودی*. حیدرآباد. دکن: دایره‌المعارف العثمانیه.

_____ (۱۳۶۲). *التفهیم*، به تصحیح و تحشیه جلال‌الدین همایی. تهران:

بابک.

- _____ (۱۳۶۳). آثار الباقیه. ترجمه اکبر دانا سرشت. تهران: امیرکبیر
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۶). تاریخ بیهقی. به تصحیح علی اکبر فیاض. تهران: انتشارات گام و امین.
- تقی زاده، سید حسن (۱۳۴۶). بیست مقاله تقی زاده. ترجمه احمد آرام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۳۹۲). مقالات تقی زاده. ج ۱: مدارک گاه شماری. به کوشش ایرج افشار، تهران: توس.
- _____ (۱۳۸۸). مقالات تقی زاده. ج ۳: گاه شماری در ایران قدیم. زیر نظر ایرج افشار. تهران: توس.
- جمالی یزدی، ابوبکر مطهرین محمد ابی القاسم (سده ۶). فرخنامه جمالی. دست نویس ش ۸۶۲۲۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابت سده ۱۱ هجری.
- خرقی، بهالدین (۱۳۹۱). نک. قلندری، حنیف.
- خیام نیشابوری (۱۳۲۱). نوروز نامه. به سعی و تصحیح مجتبی مینوی. تهران: کاوه.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۹۶). سرآغاز شکل گیری فرقه های تقویمی در میان زردشتیان هند بر مبنای سروده ای از ادهارو کرساسب در مجموعه XLVIII کتابخانه دانشگاه بمبئی. مطالعات فرهنگ و هنر آسیا. دوره ۱. ش ۲. ص ۲۲-۴۱.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۹۷). کانون های زردشتی فارس و سرانجام آنها در آغاز سده پنجم هجری. پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران. سال، ش ۱۲. ص ۲۵-۴۶.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۹۹). ادله قویه بر عدم جواز کیسه در شریعت زردشتیه (افسانه تکرار هر ۱۲۰ سال یک ماه در تقویم زردشتی). تاریخ علم. ش ۱۸. زیر چاپ.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۹۵). متن هایی درباره تنجیم. نجوم، و تقویم در سنت زردشتی، همایون نامه. ج ۲: تهران، نگارستان اندیشه.
- دست نویس ش ۳۹۴۵ کتابخانه مجلس. زیج جامع سعیدی.

دستنویس ش E-60. کتابخانه مهرجی رانا. نوساری. مجموعه روایات.
رضازاده ملک، رحیم (۱۳۸۳). پژوهش تقویم‌های ایرانی. تهران.
شهمردان رازی (۱۳۸۲). روضه المنجمین. تصحیح و تحقیق جلیل اخوان زنجانی.
عبدالهی، رضا (۱۳۸۹). تاریخ تاریخ در ایران (گاه شماری‌های ایرانی). تهران: امیرکبیر.
قلندری، حنیف (۱۳۹۱). بررسی سنت نگارش هیئت در دوران اسلامی. به همراه
تصحیح، ترجمه و پژوهش تطبیقی رساله منتهی الادراک فی تقاسیم الافلاک نوشته
بهاالدین خرقی (م. ۵۵۳ ق/ ۱۱۵۸ م). رساله دکتری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
ملافیروز (۱۸۲۸). ادله قویه بر عدم جواز کبسه در شریعت زردشتیه. بمبئی.
ناصر خسرو (۱۳۳۵). سفرنامه. به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات زوار.
وصاف (۱۲۶۹). تاریخ وصاف. به اهتمام محمدمهدی ارباب اصفهانی. بمبئی (چاپ
سنگی).

Anklesaria, B. T. (1969), *The Pahlavi Rivāyat of Āthur Farnbag and Farnbag Srōš*, 2vol., Bombay.

Cristoforetti, Simone (2014). "On the Era of Yazdegard III and the Cycles of the Iranian Solar Calendar". *Annali di Ca' Foscari*, 50, 143-56.

de Blois, F. (1996). "the Persian Calendar", in: *Iran, Journal of Persian studies*. vol 34, pp. 39-54.

de Blois, F. (2003), "the reform of the zoroastrian calendar in the year 375 of yazdgird," in: *Ātaš-e dorun. the fire within: Jamshid soroushian commemorative volume*, NewYork. pp.139-145.

Karaka, D. F. (1884). *History of the Parsis*, London: Macmillan and co.

Murzban, M. M. (1917). *The Parsis in India*, Vol. 1, Bombay.

Unvala, J. M.(1940), *Collection of colophons of manuscripts Bearing on Zoroastrianism in some libraries of Europe*, Bombay.